

معادل‌یابی استعاره‌های مفهومی در ترجمه عربی رمان

«چشم‌هایش» بر اساس الگوی آواز

نوع مقاله: پژوهشی

حبیب کشاورز*

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه سمنان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۰

چکیده

استعاره مفهومی با استعاره سنتی متفاوت است و اساس آن بر تشبیه نیست. همچنین استعاره مفهومی تنها به حوزه زبان محدود نمی‌شود؛ بلکه سراسر زندگی روزمره، از جمله حوزه اندیشه و عمل را در بر می‌گیرد. این نوع استعاره ما را قادر می‌سازد موضوعی نسبتاً انتزاعی یا فاقد ساخت را بر اساس امری عینی، ملموس کنیم. ترجمه این نوع استعاره یکی از چالش‌های مهم پیش‌روی مترجمان است و عدم توجه به ترجمه استعاره مفهومی و انتخاب شیوه نادرست در برگردان این استعاره‌ها کیفیت ترجمه را پایین می‌آورد. در این مقاله به شیوه توصیفی-تحلیلی سعی داریم روش‌های ترجمه استعاره مفهومی در ترجمه عربی رمان «چشم‌هایش» را که احمد موسی انجام داده، بر اساس الگوی آواز بررسی کنیم. هدف از پژوهش این است که علاوه بر ارزیابی استعاره‌های مفهومی ترجمه رمان «چشم‌هایش»، الگویی برای ترجمه این نوع استعاره برای سایر مترجمان معرفی کنیم. آواز در الگوی خود ۵ شیوه را برای ترجمه استعاره معرفی کرده‌است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مترجم از میان این پنج روش بیشترین استفاده را از روش (انتقال تصویری یکسان به زبان مقصد) و (تبدیل استعاره به مفهوم) کرده و از روش (ترجمه استعاره با تبدیل آن به تشبیه به علاوه مفهوم) در هیچ مورد استفاده نکرده‌است.

کلید واژه‌ها: ترجمه استعاره مفهومی، آنتونیا آواز، چشم‌هایش، بزرگ علوی، احمد

موسی.

* hkeshavarz@semnan.ac.ir

* نویسنده مسئول

مقدمه

هر چند استعاره مفهومی یکی از مهمترین مواردی است که مترجمان را در فرآیند ترجمه به چالش می‌کشد، تا کنون نظریه‌پردازان توجه زیادی به شیوه‌های ترجمه این نوع استعاره نداشته‌اند. بر همین اساس، پژوهشگران تا کنون توجه زیادی به ارزیابی ترجمه استعاره‌های مفهومی نداشته و نظریه خاصی نیز در مورد روش‌های ترجمه استعاره‌های مفهومی ارائه نشده‌است. به همین دلیل، با وجود این که در مورد انواع دیگر استعاره و تشبیه و ... مقالات زیادی نوشته شده، استعاره مفهومی از دید صاحب‌نظران و ارزیابان ترجمه مغفول مانده‌است.

در این مقاله، ضمن تعیین استعاره‌های مفهومی در رمان چشم‌هایش، اثر بزرگ علوی، به بررسی روش‌های ترجمه این نوع استعاره‌ها در این کتاب می‌پردازیم. احمد موسی، استاد دانشگاه شعیب البکالی مراکش، این کتاب را در سال ۲۰۱۴ به زبان عربی ترجمه کرده‌است. استعاره‌های مفهومی کاربرد زیادی در این رمان دارد و مترجم در ترجمه آن با چالش‌های فراوانی روبرو بوده‌است. بسیاری از این استعاره‌ها ریشه در فرهنگ و زبان ایرانی داشته و مترجم برای یافتن معادل مناسب برای آن در زبان عربی نیاز به تسلط کافی به فرهنگ و زبان ایرانی دارد. بررسی ترجمه استعاره‌های مفهومی می‌تواند علاوه بر امکان ارزیابی این ترجمه، برای سایر مترجمان نیز مفید باشد.

طبق بررسی‌های انجام گرفته تا کنون الگو یا نظریه خاصی در مورد ترجمه استعاره‌های مفهومی ارائه نشده‌است. هر چند برخی پژوهشگران از جمله نیومارک، لارسن و ... در زمینه استعاره به صورت کلی راه‌کارهایی ارائه داده‌اند. آلوآرز، یکی از افرادی است که در این زمینه اظهار نظر کرده و الگوی مناسبی برای ترجمه استعاره ارائه کرده‌است. هر چند این الگو به صورت ویژه برای ترجمه استعاره‌های مفهومی ارائه نشده و به منظور ارزیابی ترجمه استعاره به طور کلی ارائه شده‌است، می‌توان از آن برای ارزیابی استعاره‌های مفهومی نیز بهره برد.

سؤالات پژوهش

احمد موسی، مترجم رمان «چشم‌هایش»، از کدام یک از روش‌های معرفی شده آلوآرز بیشتر استفاده کرده‌است؟

دلایل گرایش مترجم به این الگوها چه بوده‌است؟

فر ضویه‌ها

مترجم در ترجمه استعاره‌های مفهومی رمان چشم‌هایش از دو روش (انتقال تصویر یکسان به زبان مقصد) و (تبدیل استعاره به مفهوم) بیشتر استفاده کرده‌است. دلیل استفاده زیاد مترجم از انتقال تصویر یکسان به زبان مقصد این است که فرهنگ ایران و کشورهای عربی قرابت‌های زیادی با هم داشته و بسیاری از استعاره‌های مفهومی موجود در زبان فارسی در زبان عربی نیز کاربرد دارد.

سابقه پژوهش

با بررسی‌های انجام شده متوجه شدیم که تا کنون در زمینه ترجمه استعاره‌های مفهومی از زبان فارسی به عربی مقاله یا کتابی نوشته نشده‌است. هر چند برخی مقالات نیز در زمینه ترجمه انواع دیگر استعاره از عربی به فارسی توسط پژوهشگران به سرانجام رسیده‌است که در ادامه به مهمترین آنها اشاره می‌کنیم:

سید مهدی مسبوق، غلامی یلقون آقاج، علی حسین؛ (۱۳۹۶) در مقاله «روش‌شناسی برگردان تصویرهای استعاری صحنه‌های قیامت در قرآن بر اساس الگوی نیومارک» به بررسی ترجمه استعاره در قرآن بر اساس الگوی «نیومارک» پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که مترجمان از میان الگوهای معرفی شده «نیومارک» برای ترجمه استعاره، از بازتولید استعاره در زبان مقصد بیشترین بهره را برده‌اند.

شیرین پورابراهیم (۱۳۹۵) در مقاله «بررسی روش‌های ترجمه استعاره‌های مبتنی بر طرحواره حرکتی در نهج البلاغه» به بررسی ترجمه بر اساس الگوی «الهراسی» پرداخته و به این نتیجه رسیده که مترجم بیشتر از شیوه حفظ تصور غنی متن مبدأ در متن مقصد استفاده کرده‌است.

خمس، نیکا؛ دهباشی شریف، فروزان؛ (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی راهبردهای ترجمه استعاره و تشبیه در سه ترجمه فارسی از تراژدی مکبث اثر شکسپیر» به بررسی راهبردهای ترجمه استعاره و تشبیه بر اساس نظریه نیومارک پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که بازآفرینی تصاویر بیشترین استفاده را در میان راهبردهای دیگر دارد.

همان طور که از سابقه پژوهش برمی‌آید تا کنون پژوهشی مستقل در زمینه ترجمه استعاره‌های مفهومی در این رمان انجام نشده است. همچنین بررسی ترجمه استعاره در مقالات فوق بیشتر بر اساس الگوی «نیومارک» است، بعد از نیومارک الگوهای کاملتر و جدیدتری مانند الگوی آلوارز، ارائه شده که تا کنون ترجمه استعاره مفهومی بر اساس آنها مورد بررسی قرار نگرفته است. در این مقاله، ضمن تبیین کامل استعاره مفهومی، الگویی جدید برای ارزیابی ترجمه استعاره که «آلوارز» مطرح کرده است، در ترجمه استعاره مفهومی به کار گرفته می‌شود.

ادبیات نظری پژوهش

در این بخش و قبل از ارزیابی ترجمه استعاره‌های مفهومی، ابتدا به معرفی مختصری از رمان و مترجم آن و در ادامه، بعد از تبیین استعاره مفهومی به معرفی نظریه آلوارز خواهیم پرداخت.

رمان چشم‌هایش

این رمان یکی از آثار معروف «بزرگ علوی» است که برای نخستین بار در سال ۱۳۳۱ هجری شمسی منتشر شد. این رمان از داستان‌های خوب فارسی است که به حق در کنار «بوف‌کور» و «تنگسیر» قرار می‌گیرد. بزرگ علوی همه توان نویسندگی‌اش را در آن صرف کرده و رمانی آفریده با چهارچوب و ساختمانی محکم و شخصیت‌هایی زنده با همه ظرافت‌هایشان. علوی به وضوح تحت تأثیر هدایت است، اما این تأثیرپذیری بسیار طبیعی و عادی جلوه می‌کند (دهباشی، ۱۳۸۴: ۳۵۵).

بزرگ علوی در این رمان ضمن پرداختن به بخشی از زندگی هنرمندی مبارز، گوشه‌هایی از اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی ایران را در دوره حکومت بیست ساله رضاشاه و رعب و هراس حکم‌فرما بر آن محیط را نشان می‌دهد و به فعالیت‌هایی اشاره می‌کند که در آن سال‌ها در ایران و خارج از ایران برای افشای ماهیت رژیم دیکتاتوری و مبارزه با آن انجام می‌گرفت. رمان چشم‌هایش با توضیحی پیرامون ویژگی‌های «تهران خفقان گرفته» که نمادی از دوران حکومت رضاشاه است، آغاز می‌شود و بلافاصله با اشاره به درگذشت «استاد ماکان» به عنوان بزرگترین نقاش ایران در صد سال اخیر و واکنش‌هایی که مرگ او در بین طبقات مردم ایجاد

معادلیابی استعاره‌های مفهومی در ترجمه عربی رمان «چشم‌هایش» بر اساس الگوی آوارز حیب کشاورز می‌کند، یا به مرحله واقعی خود به عنوان یک داستان بلند زنده و پُرکشش می‌گذارد (دهباشی، ۱۳۸۴: ۳۴۲).

این رمان را دکتر «احمد موسی»، استاد گروه زبان و ادبیات فارسی و ادبیات تطبیقی دانشگاه شعیب الدکالی مراکش، به زبان عربی ترجمه کرده و خانم دکتر «زیده اشکنانی» ترجمه را مورد بازبینی قرار داده است.

استعاره مفهومی

نظریه استعاره مفهومی، برای نخستین بار در سال ۱۹۸۰ در کتاب «استعاره‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم»^{*} اثر جورج لیکاف و مارک جانسون ارائه شد. لیکاف و جانسون بر این نکته تأکید کردند که استعاره صرفاً ابزار زبانی و ادبی نیست؛ بلکه در اصل راهی برای اندیشیدن است. بر اساس نظریه استعاره مفهومی، نظام شناختی انسان که بر اساس آن تفکر و عمل می‌کند، در ذات به صورت بنیادین استعاری است و مفاهیمی که در ذهن ما وجود دارند، نگرش ما به جهان خارج را تشکیل می‌دهند و نوع ارتباط ما با دیگر افراد را در جهان خارج مشخص می‌کنند و زبان از آن جهت که نظامی ارتباطی و مبتنی بر مفاهیم ذهنی است، با تفکر و کنش‌های ما در ارتباط است (عسکری، ۱۳۹۴: ۴۸). مؤلفان در این کتاب اعتقاد دارند که استعاره فقط یک ابزار شاعرانه نیست که اختصاص به ادبا و شعراء داشته باشد؛ بلکه استعاره یک مفهومی جاری در زندگی روزمره ما است. به همین دلیل، اعتقاد دارند که زندگی بدون استعاره امکان‌پذیر نیست؛ از همین رو نام «استعاره‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم» را برای کتاب خود انتخاب کردند. برای مثال، جمله «قیمت دلار بالا رفت» یک جمله رایج است که بارها در روز استفاده می‌شود، اما از نظر مؤلفان این کتاب این عبارت یک عبارت استعاری است چون بالا رفتن یک اتفاق حرکتی و فیزیکی است و قیمت یک شی فیزیکی نیست که بالا یا پایین برود. بنابراین در این عبارت بالارفتن قیمت‌ها استعاره است. آنها این استعاره‌ها را که به استعاره مفهومی مشهور است، در چند تقسیم‌بندی آورده‌اند که در ادامه ذکر خواهیم کرد.

* Metaphors we live by

† George Lakoff

‡ Mark Johnson

به صورت کلی سه نوع استعاره مفهومی را می‌توان از نظرات مؤلفان کتاب استخراج کرد: استعاره مفهومی ساختاری*، استعاره مفهومی جهت‌ی و استعاره مفهومی هستی‌شناسانه .

استعاره ساختاری: استعاره‌های ساختاری شامل مواردی می‌شوند که در آن مفهومی بر حسب مفهومی دیگر به شکل استعاری ساختاربنندی می‌شود (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۶: ۱۴). این استعاره‌ها بر پایه همبستگی‌های نظام موجود در تجربه‌های ما قرار دارند و به ما اجازه می‌دهند با استفاده از یک مفهوم ساختاربنندی‌شده، مفهومی دیگر را ساختاربنندی کنیم. اگر نگاهی به استعاره «مباحثه منطقی جنگ است» بیندازیم، متوجه می‌شویم که این استعاره به ما اجازه می‌دهد مفهوم مباحثه منطقی را بر حسب چیزی دیگری که ساده‌تر می‌فهمیم، یعنی نزاع فیزیکی، مفهوم‌سازی کنیم (تباری، ۱۳۹۴: ۵۹). همچنین در استعاره «وقت طلاست»، مفهوم وقت را در قالب مفهوم طلا می‌فهمیم. در این نوع استعاره، مفهومی را در قالب مفهومی دیگر می‌فهمیم. به همین دلیل این نوع استعاره، ساختاری نام گرفته‌است (قائم‌نیا، ۱۳۹۶: ۷).

استعاره جهت‌ی: استعاره‌های جهت‌ی با یک مفهوم انتزاعی و جهت‌های مکانی (مانند بالا - پایین - درون - بیرون و ...) که در محیط فیزیکی تجربه می‌کنیم، ارتباط متقابل برقرار می‌کند. استعاره‌های جهت‌ی به یک مفهوم جهت مکانی می‌بخشند یا بهتر بگوییم مفاهیم انتزاعی را بر مبنای درک ما از جهان درک‌پذیر می‌کنند. به عنوان مثال، استعاره شادی بالاست و جهت‌گیری شادی بالا بودن به ساختن جمله زیر منجر می‌شود: دارم از شادی پرواز می‌کنم (تباری، ۱۳۹۴: ۵۹). همچنین تقابل‌های بالا یا پایین، جلو یا پشت، راست یا چپ، مرکزی یا حاشیه‌ای، درون یا بیرون همه از این دست به شمار می‌روند. این نوع بازنمایی‌های استعاری، تصادفی و اتفاقی نیستند؛ بلکه بر مبنای تجربه، فرهنگ و ساختار بدنی انسان شکل می‌گیرند (عالیه کرد و حاجیان، ۱۳۸۹: ۱۲۵).

استعاره هستی‌شناختی: تجربه ما از اشیای فیزیکی، به ویژه اعضای بدن، اساس شکل‌گیری استعاره‌های هستی‌شناختی هستند. این استعاره‌ها به ما این امکان را می‌دهند که به رویدادها، فعالیت‌ها، احساسات، ایده‌ها و... به مثابه پدیده‌ها و اجسام بنگریم. از استعاره‌های

* structural

† orientational

‡ ontological

هستی‌شناختی برای فهم رویدادها، کنش‌ها، فعالیت‌ها و حالت‌ها استفاده می‌کنیم. برای مثال، عبارات زیر استعارهٔ هستی‌شناختی است: ما از مشکل بیرون آمده‌ایم - زندگی مرا فریب داد (تباری، ۱۳۹۴: ۶۰). استعاره‌های هستی‌شناختی اهداف گوناگونی را تحقق می‌بخشند. برای مثال با استفاده از اسم تورم، تجربهٔ افزایش قیمت‌ها را به شکل استعاری، یک موجود به شمار می‌آوریم و به این ترتیب به تجربه‌های خود اشاره می‌کنیم (حمیدی، ۱۳۹۷: ۱۴).

الگوی آلوارز در ترجمهٔ استعاره

همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم، تا کنون الگویی ویژه برای ارزیابی ترجمهٔ استعاره‌های مفهومی ارائه نشده‌است. بنابراین، ناچار هستیم برای ارزیابی استعاره‌های مفهومی از الگوهایی استفاده کنیم که برای ترجمهٔ انواع دیگر استعاره ارائه شده‌است. برخی صاحب‌نظران از جمله نیومارک، لارسن پیرینی و ... روش‌هایی را برای ترجمهٔ استعاره ارائه کرده‌اند. در این بین، الگوی آلوارز را می‌توان یکی از جامع‌ترین الگوهای ارزیابی ترجمهٔ استعاره دانست که می‌تواند در ارزیابی استعارهٔ مفهومی نیز به کار گرفته‌شود. در ادامه به تبیین الگوی آلوارز در ترجمهٔ استعاره می‌پردازیم.

آلوارز پنج راه‌کار برای ترجمهٔ استعاره مطرح می‌کند. برخی از این راه‌کارها را قبلاً نظریه‌پردازان دیگر از جمله نیومارک ارائه کرده‌اند. آلوارز سعی کرده الگوی کامل‌تری ارائه کند.

۱- انتقال تصویری یکسان به زبان مقصد*: در این مورد فحوا و محمل به صورت کلمه به کلمه از زبان مبدأ به زبان مقصد ترجمه می‌شوند. در این حالت، در بسیاری موارد تمام معنا منتقل نمی‌شود. بنابراین این روش همیشه پاسخ‌گو نخواهد بود.

۲- سازگار کردن تصویر موجود در زبان مبدأ با توجه به زبان مقصد: در این شیوه تصویر استعاری موجود در زبان مبدأ حفظ می‌شود، اما تغییراتی درون آن انجام می‌گیرد تا شوک فرهنگی و ناهمگونی احتمالی را در زبان مقصد کاهش دهد.

* transferring the same image into the target language

† adaptation of the same image that appears in source language

۳- بازسازی استعاره‌ای متفاوت در زبان مقصد* : در این حالت، مترجم به جای انتقال استعاره سعی می‌کند که استعاره‌ای جایگزین در زبان مقصد بازسازی کند. در این مورد مترجم باید در باب معانی فرهنگی همراه استعاره‌ها توجه اکید داشته‌باشد.

۴- تبدیل استعاره به مفهوم : در این روش از تشبیه یا نظایر آن استفاده نمی‌شود؛ بلکه فقط مفهوم استعاره در زبان مقصد بیان می‌شود. برای مثال، در ترجمه عبارت «او طلاست»، می‌گوییم: «او بهترین صفات را دارد».

۵- ترجمه استعاره با تبدیل آن به تشبیه به علاوه مفهوم : در این روش که همان روش مد نظر نیومارک است، استعاره به تشبیه تبدیل می‌شود، البته به تشبیه اکتفا نمی‌شود؛ بلکه مفهوم آن نیز (وجه شبه) ذکر می‌شود. برای نمونه، در ترجمه عبارت «او یک روباه است»، می‌گوییم: «او مثل روباه حيله‌گر است» (Alvarez, 1993:484-487).

بحث و تحلیل

در این بخش بعد از تعریف استعاره مفهومی و الگوی آواز برای ترجمه استعاره، به بررسی ترجمه استعاره مفهومی در رمان «چشم‌هایش» از زبان فارسی به عربی می‌پردازیم و سعی می‌کنیم به بررسی این نکته بپردازیم که مترجم از چه روش‌هایی بیشتر استفاده کرده و دلایل گرایش به هر یک از این روش‌ها چیست.

۱- انتقال تصویری یکسان به زبان مقصد

در این روش، مترجم با استفاده از ترجمه تحت‌اللفظی، تصویر زبان مبدأ را به زبان مقصد منتقل می‌کند. این روش زمانی که بین دو فرهنگ زبان مبدأ و مقصد نزدیکی وجود داشته‌باشد، معمولاً روش کارآمدی است. از آن جا که قرابت‌های فرهنگی ایرانی و عربی زیاد است، مترجم از این روش بهره فراوانی برده‌است. برای مثال در ترجمه عبارت زیر، مترجم سعی کرده‌است استعاره مفهومی مذکور در رمان (پایین آوردن سطح) را به همان شکل موجود به

* re-creation in the target language of a different metaphor

† translation of metaphor by its sense

* translation of metaphor by simile plus sense

زبان عربی برگرداند. این استعاره مفهومی در زبان عربی نیز به همین شکل کاربرد دارد. مترجم در ترجمه عبارت «خودش را می‌توانست تا حد آنها پائین آورد و یار مهربان آنها باشد» (علوی، ۱۳۸۱: ۳۵)، می‌گوید: «ویستطیع أن ینزل إلی مستواهم، وأن یکون صدیقهم الحنون» (علوی، ۲۰۱۴: ۴۹).

مقدار مقبولیت این روش بستگی به دوری و نزدیکی فرهنگ مردم در دو زبان مبدأ و مقصد دارد. هر چه فرهنگ مردم در زبان مبدأ و مقصد به هم نزدیکتر باشد، احتمال موفقیت استفاده از این روش نیز به همان میزان بیشتر می‌شود.

لیکاف و جانسون در بخشی از کتاب خود برای توضیح استعاره مفهومی از عبارت «زمان پول است»، استفاده می‌کنند (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۶: ۱۴). این عبارت یک عبارت استعاری است و برای اشاره به زمان، از مفاهیم مرتبط با پول استفاده می‌شود. در عبارت زیر نیز استعاره «زمان پول است»، به شکل دیگری آمده و مترجم با توجه به مشترک بودن این دو مفهوم در زبان عربی و فارسی به انتقال تصویری یکسان بسنده کرده‌است. مترجم در ترجمه عبارت «ساعت‌ها» وقت گران‌بهای خود را با مردم عادی صرف می‌کرد» (علوی، ۳۸۱: ۲۸)، می‌گوید: «ویقضی أوقاتا ثمینة مع الناس العادیین» (علوی، ۲۰۱۴: ۴۹).

لیکاف و جانسون در توضیح این استعاره آورده‌اند: زمان در فرهنگ ما یک کالای ارزشمند است، منبع محدودی است که برای رسیدن به هدف‌های خود از آن استفاده می‌کنیم. کار نیز بستگی به زمانی دارد که انجام آن می‌برد و زمان هم دقیقاً کمی می‌شود. رسم بر این است که بر اساس ساعت، هفته یا سال به مردم پول پرداخت کنند. متناسب با این واقعیت که رفتار ما به گونه‌ای است که گویی زمان کالای ارزشمندی است - یک منبع محدود یا حتی پول - آن را همین گونه درک می‌کنیم (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۶: ۱۵).

از این دست استعاره در رمان بسیار به کار رفته و مترجم در ترجمه آن با مشکل خاصی مواجه نشده‌است. برای مثال در بخش دیگری از رمان این عبارت آمده‌است: «این مرد در سخن گفتن عجیب صرفه‌جو بود؛ برای هر کلمه‌ای که می‌خواست ادا کند، ارزش قائل بود» (علوی، ۱۳۸۱: ۸۰). مترجم با استفاده از همین راهکار این عبارت را ترجمه کرده‌است: «کم کان

هذا الرجل مقتصدا في الكلام بشكل عجيب، يعطى قيمة لكل كلمة يريد النطق بها» (علوی، ۲۰۱۴: ۹۷).

استفاده از تلخی برای اشاره به مسائل زندگی یک استعاره مفهومی است و به دلیل نزدیکی فرهنگ ایران و عرب‌ها، این استعاره نیز به همان صورت به زبان عربی برگردانده شده است. در رمان آمده است: «این لبخند از فرط تأثر است. مثل اینکه استاد می‌خواست بگوید: چه شیرین است، چه شیرین می‌تواند باشد. افسوس که ما تلخی آن را می‌چشیم» (علوی، ۱۳۸۱: ۳۴). مترجم این عبارت را به این شکل ترجمه کرده است: «إنها ابتسامه تأثر شديد، كما لو أن الأستاذ أراد أن يقول: ما أحلاها، ما أحلى ما يمكن أن تكون، إنه من المؤسف أننا نتذوق مرارتها» (علوی، ۲۰۱۴: ۴۸).

مترجم در ترجمه عبارت «امواج زندگی او را از صخره‌ای به صخره‌ای دیگر پرتاب می‌کردند» (علوی، ۱۳۸۱: ۱۱۱)، علاوه بر این که در استعاره مفهومی تصویری یکسان از زبان فارسی به زبان عربی منتقل کرده: «وأمواج الحياة تتقاذفه من صخرة إلى صخرة» (علوی، ۲۰۱۴: ۱۳۰)، در ترجمه کل عبارت نیز، از ترجمه نزدیک به تحت‌اللفظی استفاده کرده است.

استفاده از عبور و گذشتن که یک مفهوم حسی برای عمر است. عمر یک مفهوم غیر حسی است. این شگرد، استعاره مفهومی ساختاری نام دارد. برای مثال در عبارت زیر «اکنون پانزده سال از روز مرگ استاد می‌گذرد» (علوی، ۱۳۸۱: ۳۶)، مترجم این عبارت آورده است: «الآن تمر خمس عشرة سنة على وفاة الأستاذ» (علوی، ۲۰۱۴: ۵۰). از آن جا که زبان فارسی و عربی برای بیان این مفهوم از یک تصویر بهره می‌برند، مترجم نیز در عبارت پیشین به انتقال تصویر یکسان بسنده کرده است.

در مثال زیر نیز از همین روش استفاده شده است: «بر خلاف دیگران خیلی سرد از من پذیرائی کرد، اما سردی و خشکی آن چیزی نبود که مرا برنجاند» (علوی، ۱۳۸۱: ۷۹). «استقبلنی ببرود كبير، لكن بروده وجموده ليس بالئىء الذى يقلقنى» (علوی، ۲۰۱۴: ۹۶). استفاده از

معادلیابی استعاره‌های مفهومی در ترجمه عربی رمان «چشم‌هایش» بر اساس الگوی آوارز حیب کشاورز

مفهوم سردی برای توصیف یک رابطه، استعاره مفهومی است و مترجم در ترجمه این عبارت نیز به انتقال تصویر یکسان بسنده کرده است.

استفاده از مفاهیم سرایشی و سربالایی برای توصیف زندگی نوعی استعاره مفهومی است. در ترجمه این استعاره نیز مترجم از روش انتقال تصویر یکسان استفاده کرده است: «همیشه دو دل بوده‌ام. همیشه با یک پا به طرف سرایشی و با پای دیگر رو به بلندی رفته‌ام و در نتیجه وجود من معلق بوده است» (علوی، ۱۳۸۱: ۸۴). «كنت دوما مترددة، دائما أخطو برجل نحو الهاویة وبرجل أخرى نحو القمة، وفي نتیجة كان وجودی معلقا» (علوی، ۲۰۱۴: ۱۰۰).

در ترجمه عبارت زیر نیز مترجم تصویر کاملا یکسان از زبان فارسی به عربی منتقل کرده است.

«وعو سگی از باغ همسایه و بوق اتوموبیلی از دور خاموشی را می شکست» (علوی، ۱۳۸۱: ۱۰۱).

«كان نباح كلب منبعث من بستان الجیران وبوق سیارة من بعید یکسران الصمت» (علوی، ۲۰۱۴: ۱۲۰).

عبارت «كسر الصمت» در این زبان رایج است. هر چند این عبارت در هر دو زبان فارسی و عربی، گرت‌برداری از عبارت (to break the silence) انگلیسی است.

«زن ناشناس یک مرتبه حرفش را قطع کرد» (علوی، ۱۳۸۱: ۱۲۰). «قطعت المرأة المجهولة كلامها دفعة واحدة» (علوی، ۲۰۱۴: ۱۴۱).

در عبارت فوق، قطع کردن یک مفهوم حسی و استفاده از آن برای «حرف»، استعاره مفهومی است. با توجه به این که در زبان عربی نیز همین ساختار به کار می‌رود، مترجم از روش انتقال تصویر یکسان بهره برده است.

در دو مثال زیر، استفاده از «راه» برای اشاره به خوشبختی استعاره مفهومی و همان تصویر به زبان عربی منتقل شده است.

«بسیار خوب! تنها راه خوشبختی نقاش و هنرمند شدن نیست» (علوی، ۱۳۸۱: ۱۳۰): «حسن، لیس الطريق الوحید إلى السعادة أن تصبھی رسامة أو فنانة» (علوی، ۲۰۱۴: ۱۵۳).

«بیا برو ایران آدم شو! شاید راه موفقیّت را بیابی» (علوی، ۱۳۸۱: ۱۳۰): «هیا، اذهبی اِلی ایران! وکونی انسانه! ربما تعثرین علی طریق النجاح» (علوی، ۲۰۱۴: ۱۵۳).

مترجم در ترجمه «راه» در عبارات فوق، به انتقال تصویر یکسان بسنده کرده است؛ چون این تصویر در زبان فارسی و عربی یکسان است.

گاهی مترجم در استفاده از این روش افراط و بدون توجه به مفهوم بودن عبارت در زبان مقصد یا مفهوم نبودن آن تصویری یکسان منتقل کرده که نتیجه چندان رضایت بخش نبوده است: «به اندازه یک سر و گردن از اربابش بزرگتر است. کاش بتواند آبروی ایران را حفظ بکند» (علوی، ۱۳۸۱: ۲۱). مترجم می‌گوید: «وقال: هو أكبر من ولی نعمته بمقدار رأس ورقبه، ليته يستطيع المحافظة علی ماء وجه ایران» (علوی، ۲۰۱۴: ۲۳). مترجم در عبارت فوق استعاره مفهومی موجود را بدون توجه به این مسأله ترجمه کرده است و این مفهوم در زبان عربی، نامأنوس جلوه می‌کند.

عبارت «أكبر من ولی نعمته بمقدار رأس ورقبه» در زبان عربی مانوس نیست و مفهوم مورد نظر نویسنده را به زبان مقصد منتقل نمی‌کند. مترجم در ترجمه این استعاره باید از روش‌های دیگری مانند بازسازی استعاره استفاده می‌کرد که در ادامه این روش را توضیح خواهیم داد. مترجم مشابه این اشتباه را در جای دیگری از ترجمه نیز مرتکب شده است. وی در ترجمه عبارت «خود او هم هنوز در این مدرسه که تا به حال چندین بار اسم عوض کرده، اگر چه ظاهراً فراش است و حقوق فراشی می‌گیرد، اما در واقع بزرگتر و همه کاره است» (علوی، ۱۳۸۱: ۲۰)، می‌گوید: «وهو يعمل بوابا فی الظاهر بهذه المدرسه التي تغیر اسمها حتی الیوم أكثر من مره، ویتقاضی أجره كبواب، لکنه فی الحقیقه أكبر من ذلک» (علوی، ۲۰۱۴: ۳۲). عبارت «بزرگتر و همه‌کاره» که در متن آمده معنایی متفاوت با «بزرگی فیزیکی» دارد و مترجم نتوانسته با عبارت‌های عربی موجود (فی الحقیقه أكبر من ذلک) معنا را به خوبی منتقل کند و به خطا رفته است.

علاوه بر این عبارت «همه کاره» نیز به نظر می‌رسد از چشم مترجم پنهان مانده و معادل مناسبی برای آن ارائه نکرده‌است.

در کل، اگر برخی اشتباهات مترجم در استفاده از این روش را نادیده بگیریم، وی به خوبی توانسته‌است با استفاده از این روش بسیاری از استعاره‌های مفهومی را از زبان فارسی به زبان عربی ترجمه کند.

۲- سازگار کردن تصویر موجود در زبان مبدأ با توجه به زبان مقصد

در این روش به مهارت بالای مترجم نیاز است و مترجم باید با توجه به تفاوت‌های فرهنگی موجود بین دو زبان تصویر موجود در زبان مبدأ را برای مخاطب زبان مقصد به شکلی تغییر دهد که نامأنوس جلوه نکند. چنین مترجمی هم باید تسلط کامل به زبان مبدأ داشته‌باشد و هم زبان مقصد را به صورت کامل بشناسد و از جزئیات آن مطلع باشد. برای مثال، در ترجمه عبارت زیر مترجم به خوبی از این روش استفاده کرده‌است: «سر شام یک کلمه با هم صحبتی نکردیم» (علوی، ۱۳۸۱: ۱۱۰). مترجم این عبارت را به این شکل ترجمه کرده است: «ل م نتبادل ولا كلمه واحده علی مائدة العشاء» (علوی، ۲۰۱۴: ۱۵۶).

اضافه کردن کلمه «مائدة» که در متن فارسی وجود ندارد، باعث شده‌است تا انتقال استعاره مفهومی موجود مشکلی به وجود نیارد و با زبان عربی سازگار شود. همچنین کلمه «سر» ترجمه نشده و به جای آن از حرف جرّ «علی» بهره گرفته‌است.

مترجم عرب است به زبان عربی تسلط کاملی دارد، اما تسلط کافی به زبان فارسی نداشته و به همین دلیل کمتر از این روش استفاده کرده‌است. البته ممکن است یکی از دلایل استفاده کم از این روش، گرایش به آشنایی زدایی مترجم بوده‌است و نخواستگی به این شکل به متن رنگ و بوی عربی بدهد و خواسته تا رنگ و بوی فرهنگ ایرانی در متن حفظ شود.

۳- بازسازی استعاره‌ای متفاوت در زبان مقصد

این روش در صورتی که مترجم تسلط کامل به زبان مبدأ و مقصد داشته‌باشد، روش بسیار مناسبی است و باعث می‌شود که ترجمه تا حدود زیادی مأنوس و به زبان مقصد، نزدیک

شود. مترجم حاضر در ترجمه این رمان به ندرت از این روش استفاده کرده است. هر چند با توجه به تسلط کامل به زبان عربی می توانست در موارد بیشتری از این روش بهره ببرد. همان طور که گفتیم یا به دلیل تسلط کم به فرهنگ و زبان ایرانی یا گرایش به آشنایی زدایی در متن ترجمه، کمتر از این روش استفاده کرده است: «عشق و شوری که روزهای اول به هنر خود داشتم، دیگر مرا ترک گفته بود بیشتر کسانی که به شکار این مرغ خوش بال و پر می روند و راه پر مصیبت هنرمند را پیش می گیرند، وسط راه وا می زنند» (علوی، ۱۳۸۱: ۱۰۲). «وكان عشقی و شوقی للفن خلال الأيام الأولى قد تخليا عني. إن أغلب الأشخاص الذين يقدمون على صيد هذا الطائر الجميل ويقطعون طريق الفنان المليئة بالمصائب، يرجعون من وسط الطريق خالی الوفاض» (علوی، ۲۰۱۴: ۱۲۱).

مترجم در ترجمه عبارت فوق از عبارت «رجع خالی الوفاض» استفاده کرده که این عبارت عربی در جای مناسبی به کار رفته است.

همان طور که گفتیم استعاره مفهومی «بحث جنگ است»، یکی از نمونه های استعاره مفهومی است که لیکاف و جانسون در کتاب خود به آن پرداخته و به تفصیل در مورد آن سخن گفته اند. مترجم برای انتقال استعاره مفهومی در عبارت زیر به خوبی توانسته استعاره ای متفاوت در زبان عربی در مقابل عبارت فارسی به کار ببرد و نتیجه موفقیت آمیز ارزیابی می شود.

«منتظر بودم که خلاف من ابراز عقیده کند، بحث درگیرد، او را به حرف آورم و بعد با سحر و افسون و صورت زیبایم کارش را بسازم» (علوی، ۱۳۸۱: ۹۷).

«كنت أنتظر أن يخالفني الرأي، أن يثير النقاش، أن أستحثه على الكلام، لأسحره فيما بعد بجمال وجهي فأنهي أمره» (علوی، ۲۰۱۴: ۱۱۵).

عبارت «إثارة النقاش» در زبان عربی کاربرد دارد و می توان مترجم را در ترجمه این عبارت موفق دانست.

مترجم با اطلاعات خود از زبان عربی در ترجمه عبارت زیر از این روش بهره گرفته و استعاره ای متفاوت عرضه کرده است، اما حیثیت شما سر این کارها از بین نمی رود (علوی، ۱۳۸۱:

۱۵۶). مترجم متن را به این صورت ترجمه کرده‌است: «شرفک لن یدنس من جراء هذه الأعمال» (علوی، ۲۰۱۴: ۱۸۲).

در فارسی عبارت از بین رفتن برای «حیثیت» استفاده شده، اما در زبان عربی از عبارت «لن یدنس» بهره گرفته که استعاره‌ای متفاوت است و به صورت تحت‌اللفظی معنایی کاملاً متفاوت دارد.

لن یدنس = آلوده نخواهد کرد

مهارت مترجم در استفاده از این روش را در مثال زیر نیز می‌توانیم ببینیم: «با این وجود لب‌تر نکرد» (علوی، ۱۳۸۱: ۱۶۰). مترجم برای عبارت لب‌تر کردن از «حرک ساکنا» استفاده کرده‌است و می‌گوید: «ومع ذلكلم یحرک ساکنا» (علوی، ۲۰۱۴: ۱۸۶). از آن جا که «لب‌تر نکردن» را نمی‌توان به همین شکل به زبان عربی منتقل کرد، مترجم از یک استعاره مفهومی دیگر استفاده کرده و در این کار موفق بوده‌است؛ چون ترجمه تحت‌اللفظی در عبارت فوق در زبان مقصد، مفهوم نخواهد بود.

با توجه به عرب زبان بودن مترجم، استفاده بیشتر از این روش می‌توانست کیفیت ترجمه را بسیار بالاتر ببرد و از طرف دیگر متن را برای مخاطب عرب زبان قابل فهم‌تر کند.

۴- تبدیل استعاره به مفهوم

این روش در زمانی به کار می‌رود که نه امکان استفاده از استعاره یا تشبیه مناسب باشد و نه بتوان از روش تحت‌اللفظی استفاده کرد. هر چند استفاده از این روش کمک زیادی به انتقال مفهوم می‌کند، در متون ادبی زیبایی متن را از بین می‌برد. این روش از پرکاربردترین و شاید ساده‌ترین روش‌ها در ترجمه استعاره مفهومی است و همان طور که گفتیم گزینه مناسبی در ترجمه متون ادبی نیست. برای مثال در ترجمه «سر نترس» در عبارت زیر، مترجم به ذکر کلمه «شجاعه» اکتفا کرده و تنها مفهوم این استعاره را منتقل کرده‌است.

«برای بالا رفتن از نردبان بلند هنر، سر نترس و پشتکار لازم بود که من در خود سراغ

نداشتم» (علوی، ۱۳۸۱: ۱۰۶).

«صعود سلم الفن العالی کان یلزمه شجاعه وعمل دؤوب، الأمر الذی کنت

أفتقده فی نفسی» (علوی، ۲۰۱۴: ۱۲۵).

البته در این جا یک نوع استعاره مفهومی دیگر هم وجود دارد. «بالارفتن از نردبان بلند هنر» که مترجم از یک روش متفاوت استفاده و به دلیل مشترک بودن این مفهوم در هر دو زبان تصویری یکسان را منتقل کرده است.

«مثل اینکه صدای پایش می آید ... به نظرم خودش است» (علوی، ۱۳۸۱: ۱۱۴).

«کأنی أسمع وقع قدمیه ... أظن أنه هو» (علوی، ۲۰۱۴: ۱۳۳).

در فارسی، «صدای پایش می آید» ذکر شده، اما در عربی مترجم فعل «می آید» را ترجمه نکرده و از فعل «أسمع» استفاده و در حقیقت مفهوم را منتقل کرده است.

«رنگ از صورت استاد پرید» (علوی، ۱۳۸۱: ۲۲) «بهت وجه الأستاذ» (علوی، ۲۰۱۴: ۳۵).

در فارسی عبارت رنگ پریدن آمده و مترجم به خوبی از ترجمه تحت‌اللفظی استفاده نکرده و مفهوم آن را به زبان عربی منتقل کرده است. «بهت» در عربی معادل بسیار مناسبی برای رنگ پریدن است. در فرهنگ لغت آمده است: *بَهتٌ لَوْنُ الْقَمِيصِ: شَحْبٌ، صَارَ بَاهِتًا، تَغَيَّرَ لَوْنُهُ* (ابن منظور، بی تا: ماده بهت).

همچنین در عبارت زیر نیز مترجم از این روش بهره برده است: «موقعی که نزدیک بود فیلم به پایان برسد و صحبت‌های ما داشت ته می‌کشید، از او پرسیدم» (علوی، ۱۳۸۱: ۱۴۸).

«حينما اقترب الفيلم من النهایه، وکان کلامنا علی وشک الانتهاء، سألته» (علوی،

۲۰۱۴: ۱۷۲).

در این عبارت نیز در ترجمه عبارت «ته کشیدن صحبت» فقط مفهوم را به زبان عربی منتقل و از عبارت «علی وشک الانتهاء» استفاده کرده است.

همچنین رد مثال زیر نیز به همین شکل عمل کرده است: «قبل از آنکه بقیه داستان را نقل کند، دل من بیشتر به حال او می‌سوخت تا به حال استاد» (علوی، ۱۳۸۱: ۱۱۱).

«قبل أن تکمل سرد بقیه قصتها، کنت أشفق علیها أكثر مما أشفق علی الأستاذ»

(علوی، ۲۰۱۴: ۱۵۶).

استفاده از «سوختن» برای دل استعاره مفهومی است که این تصویر در زبان عربی کاربرد ندارد و به همین دلیل، مترجم به ناچار باید استعاره را به مفهوم تبدیل سپس آن را ترجمه کند و در اینجا مترجم بسیار خوب عمل کرده است.

میزان استفاده مترجم از این روش، نسبتاً زیاد است. همان طور که در ابتدای بحث گفتیم استفاده زیاد از این روش در متون ادبی مناسب نیست. بهتر بود مترجم از سایر روش‌های مطرح شده در این مقاله، برای ترجمه استفاده کند.

۵- تبدیل استعاره به تشبیه بعلاوه مفهوم

از آن جا که استعاره مفهومی با دیگر انواع استعاره متفاوت است این روش در ترجمه استعاره مفهومی کاربرد زیادی ندارد. دیگر انواع استعاره معمولاً بر پایه تشبیه هستند و به همین دلیل، گاهی در ترجمه استعاره آن را تبدیل به تشبیه می‌کنند. برای مثال، عبارت «جاء ثعلب» را اگر «ثعلب» استعاره باشد، می‌توان به این شکل در فارسی ترجمه کرد: مردی مانند روباه که مردم را فریب می‌دهد آمد. این روش در استعاره‌هایی استفاده می‌شود که نتوان همان تصویر را به زبان مقصد منتقل کرد.

نمودار میزان استفاده مترجم از هر روش



نتایج

استفاده از نظریه آوارز برای ارزیابی ترجمه استعاره‌های مفهومی مناسب است و این نظریه تا حدودی می‌تواند کیفیت ترجمه استعاره‌های مفهومی را تعیین کند. هر چند این روش برای تمام انواع استعاره ارائه شده است و اختصاص به استعاره مفهومی ندارد. برای مثال تبدیل استعاره به تشبیه در ترجمه استعاره‌های مفهومی کاربرد ندارد؛ چون اساس استعاره مفهومی بر تشبیه نیست. بنابراین به نظر می‌رسد ارائه یک الگوی جدید مختص ارزیابی ترجمه استعاره‌های مفهومی، قدم بسیار مهمی باشد و پژوهشگران می‌توانند در پژوهش‌های خود به این مسأله توجه کنند.

همچنین یکی از مشکلات پیش‌روی استعاره مفهومی این است که در این نوع استعاره، مرز میان زبان ادبی و زبان روزمره از بین رفته است. یعنی استعاره‌هایی وجود دارند که در اثر کاربرد زیاد حالت ادبی خود را از دست داده و در گفتار روزمره ما به کار می‌روند. بنابراین گاهی مترجم ممکن است اساساً متوجه نشود که با استعاره سر و کار دارد و در انتقال آن به زبان مقصد دچار خطا بشود. برای مثال، جمله‌ای مثل «قیمت میوه بالا رفت» یک جمله کاملاً عادی است که در گفتار روزمره استفاده می‌کنیم و احتمالاً توجهی به وجه استعاری آن نداریم (در قالب استعاره مفهومی). حال آنکه ممکن است همین جمله به ظاهر ساده در ترجمه، مترجم را به چالش بکشانند.

مترجم در ترجمه این رمان از میان ۵ روش پیشنهادی آوارز از ۴ روش استفاده کرده است. مترجم از روش «ترجمه استعاره با تبدیل آن به تشبیه به علاوه مفهوم» استفاده نکرده است. از بین ۴ روش باقیمانده نیز بیشترین استفاده را از روش «انتقال تصویری یکسان به زبان مقصد» کرده است. استفاده از این روش زمانی که دو فرهنگ به هم نزدیک باشند، بیشتر می‌شود و دلیل استفاده زیاد از این روش نیز همین مسأله بوده است. با وجود این، استفاده از این روش بدون توجه به تفاوت‌های فرهنگی در کیفیت ترجمه تأثیر منفی می‌گذارد و مترجم نیز گاهی در استفاده از این روش مرتکب اشتباه شده است و بهتر بود از سایر روش‌های پیشنهادی بیشتر بهره می‌برد.

روش دیگری که بیشترین فراوانی را در ترجمه پیش رو دارد روش «تبدیل استعاره به مفهوم» است. این روش هر چند مفهوم را منتقل می‌کند، برای ترجمه متون ادبی چندان مناسب نیست و زیبایی هنری اثر را کاهش می‌دهد.

منابع

۱- کتاب‌ها

- ابن منظور، محمد بن مکرم (بی‌تا)، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
- دهباشی، علی (۱۳۸۴) یاد بزرگ علوی، تهران، نشر ثالث.
- روشن، بلقیس، لیلا اردبیلی (۱۳۹۲)، مقدمه‌ای بر معناشناسی شناختی، تهران، نشر علم.
- علوی، بزرگ (۱۳۸۱)، چشم‌هایش، ج ۲، تهران، موسسه انتشارات نگاه.
- (۲۰۱۴م) عیناها، ترجمه احمد موسی، الکویت، المجلس الوطنی للثقافه.
- قائم‌نیا، علیرضا (۱۳۹۰)، معناشناسی شناختی قرآن، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- لیکاف، جورج، مارک جانسون (۱۳۹۶) استعاره‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم، ترجمه جهان‌شاه میرزاییگی، تهران، نشر آگاه.

۲- پایان نامه‌ها

- عسکری، فاطمه (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی دیدگاه‌های عبدالقاهر جرجانی و جورج لیکاف پیرامون استعاره مفهومی، دانشگاه فردوسی مشهد، پایان نامه دکتري.
- تباری، فاطمه (۱۳۹۴)، استعاره‌های مفهومی خشم در زبان فارسی: رویکردی شناختی و پیکره‌ای پایان نامه کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۳- مجلات

- حمیدی، شیما (۱۳۹۷) «استعاره مفهومی و کارکردهای آن در متون دینی؛ رویکردی زبان شناختی به استعاره»، مجله آموزش زبان، ادبیات و زبان شناسی، شماره ۳، صص ۹-۲۱.

عالیه کرد زعفرانلو، کامبوزیا و خدیجه حاجیان (۱۳۸۹)، «استعاره‌های جهت‌ی قرآن با رویکرد شناختی»، فصلنامه علمی پژوهشی نقد ادبی، تهران، شماره ۹، صص ۱۱۵-۱۳۹.

معصومی، علی و مریم کردیچه (۱۳۸۹)، «استعاره‌های هستی‌شناختی در دست‌نوشته‌های کودکان»، پازند، تهران، نشریه علمی زبان، شماره ۲۲ و ۲۳، صص ۷۹-۹۷.

Antonia Alvarez, on translating metaphor, Les presses iuniversite de Monteral, volume 38, number3, 1993.

إيجاد المكافئ للاستعارات المفهومية في الترجمة العربية لرواية عينها وفقاً لنظرية

آلوارز

نوع المقالة: أصيلة

حبيب كشاورز*

أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة سمنان*

الملخص

الاستعارة المفهومية تختلف عن الاستعارة التقليدية وليست قائمة على التشبيه؛ كما أنّ الاستعارة المفهومية لا تقتصر على اللغة بل موجودة في كافة النواحي في حياتنا اليومية منها العمل والفكر. وهذا النوع من الاستعارة يجعلنا نفهم الموضوعات التجريدية. وترجمة هذا النوع من الاستعارة إحدى التحديات التي يواجهها المترجمون وإمالتها قد يؤدي إلى الخطأ في الترجمة واختيار طريقة خاطئة لترجمتها وهذا بدوره يؤدي إلى انخفاض جودة الترجمة. وفي هذه المقالة نريد تقييم ترجمة الاستعارات المفهومية بالمنهج الوصفي-التحليلي في رواية «عينها» لبزرك علوي وترجمة أحمد موسى وفقاً لنظرية أنتونيا آلوارز لترجمة الاستعارة. والهدف من هذه الدراسة هي تقييم ترجمة الرواية أولاً ثم تقديم إستراتيجية كاملة لترجمة الاستعارات المفهومية. نجد في نظرية آلوارز 5 إستراتيجيات لترجمة الاستعارة وتظهر نتائج الدراسة بأن المترجم استفاد من منهجي نقل الصورة الواحدة إلى اللغة المقصد وتحويل الاستعارة إلى المفهوم أكثر من الإستراتيجيات الأخرى ولم يستخدم إستراتيجية تحويل الاستعارة إلى التشبيه بالإضافة إلى المفهوم.

الكلمات الرئيسية: ترجمه الاستعارة المفهومية، أنتونيا آلوارز، عينها، بزرك علوي، أحمد موسى.

